

تولیدمثل‌زدایی به مثابه مصداقی از نسل‌کشی

چکیده

یکی از گونه‌های کمتر بررسی‌شده نسل‌کشی - به عنوان یکی از جنایات داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی - تولیدمثل‌زدایی است که خود، مشتمل بر مصادیق متنوعی است و به اقداماتی اشاره دارد که هدف مستقیم یا غیر مستقیم آن‌ها، جلوگیری از تداوم زیستی یک گروه انسانی از طریق از بین بردن امکان تولید مثل طبیعی یا غیر طبیعی آن گروه است. می‌توان گونه‌های تولیدمثل‌زدایی را عبارت دانست از گونه‌های مادی یا مستقیم ناظر بر بعد بدنی - زیستی زنان و مردان و گونه‌های غیر مادی یا غیر مستقیم راجع به بعد غیر بدنی - غیر زیستی ساختارها و زیرساخت‌های مربوط به امر باروری. نمونه‌های تاریخی متعددی برای ارتکاب این شکل خاص از نسل‌کشی قابل احصا هستند. حقوق کیفری بین‌المللی، با در نظر گرفتن و شناسایی این مصداق، به دنبال حفاظت از بقای گروه‌های جمعیتی در برابر برنامه‌های سازمان‌یافته نابودی، حتی در شکلی غیر مستقیم و پنهان، است. از آنجا که ضرورتی به حدوث وضعیت مناصمه برای وقوع این جنایت نیست بلکه در حالت غیر جنگی نیز می‌تواند واقع گردد، دلیلی بر شمول عنوان جنایت جنگی بر آن وجود ندارد. همچنین، این رفتار مجرمانه، جنایت علیه بشریت نیز محسوب نمی‌شود چرا که لزوماً مبتنی بر حمله سازمان‌یافته یا گسترده نسبت به یک جمعیت غیر نظامی نیست. دلیل عدم شمول عنوان تجاوز سرزمینی بر این رفتار نیز واضح است. با این حال، ویژگی‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده نسل‌کشی، آنگونه که در مقررات اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی (دادگاه رم) متجلی شده، در تولیدمثل‌زدایی موجود و قابل احراز است. به هر روی، این مصداق از نسل‌کشی را به سبب ماهیت و ویژگی‌هایی که دارد، باید رفتاری آشکارا ناقض حق تولیدمثل برای انسان‌ها در نظر گرفت. نظر به فقدان پژوهش مستقل درباره این حالت از نسل‌کشی در ادبیات حقوقی موجود، در مقاله حاضر، کوشش شده است مفهوم، مصادیق، ویژگی‌ها، ارکان تشکیل‌دهنده و برخی نمونه‌های آشکار این شکل خاص از نسل‌کشی، مورد بحث و تحلیل قرار گیرد.

کلیدواژگان:

تولیدمثل‌زدایی، حق توالد و تولیدمثل، تولیدمثل اختیاری، جنایت نسل‌کشی، نقض حق تولیدمثل.

Reprocide as a Simple of Genocide

Abstract

One of the lesser-examined forms of genocide—as a crime falling within the jurisdiction of the International Criminal Court—is Reproductive Deprivation (Reprocide), a concept that encompasses various manifestations and refers to acts whose direct or indirect aim is to prevent the biological continuity of a human group by eliminating its capacity for natural or artificial reproduction. Reproductive deprivation may be understood as consisting of material or direct forms, which concern the bodily-biological integrity of men and women, and immaterial or indirect forms, which relate to the non-bodily, non-biological dimensions of structures and infrastructures associated with fertility and reproduction. Numerous historical examples can be identified in which this specific form of genocide has been perpetrated. International criminal law, by recognizing this category, seeks to protect the survival of population groups against organized programs of destruction—even where such programs are implemented indirectly or covertly. Since the commission of this crime does not require the existence of an armed conflict, and may in fact occur in non-conflict settings, there is no basis for classifying it as a war crime. Likewise, this conduct does not fall under crimes against humanity, as it is not necessarily predicated on a widespread or systematic attack directed against a civilian

population. The inapplicability of the crime of aggression is also evident. Nevertheless, the characteristics and constitutive elements of genocide, as articulated in the provisions of the Rome Statute of the International Criminal Court, are present in and ascertainable with respect to reproductive deprivation. Nevertheless, this instance of genocide, given its inherent nature and characteristics, must be regarded as conduct that explicitly violates the human right to reproduction. Given the absence of independent research on this specific form of genocide within the existing legal literature, the present article seeks to examine and analyze its concept, manifestations, characteristics, constitutive elements, and several prominent examples.

Keywords:

Reproicide, Reproductive Rights, Voluntary Reproduction, Genocide, Breach of Reproductive Rights.

مقدمه

نسل‌کشی، یکی از چهار جرم مهمی است که به موجب اساسنامه رم، رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار گرفته است. به طور کلی، طبق این اساسنامه که سند موسس و مبنای شناسایی عناصر و ارکان تشکیل‌دهنده این چهار جرم است، نسل‌کشی به اعمالی گفته می‌شود که با قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی، از جمله کشتن اعضای گروه، وارد آوردن صدمات شدید جسمی یا روانی به اعضای گروه، قراردادن گروه در معرض شرایط زیان‌بار زندگی با هدف نابودی کامل یا جزئی آن، تحمیل تدابیری برای جلوگیری از تولد در میان گروه و انتقال اجباری کودکان گروه به گروه دیگر، انجام شود. از میان این رفتارها، تحمیل تدابیری برای جلوگیری از تولد در میان گروه یا به صورت خلاصه، تولیدمثل‌زدایی، کمتر شناخته شده و مورد مطالعه بوده است.

تولیدمثل‌زدایی که به معنای نابودسازی هدفمند ظرفیت بازتولید یک گروه قومی، نژادی، ملی یا مذهبی است، به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و اغلب، پنهان‌ترین اشکال نسل‌کشی در حقوق بین‌الملل به طور عام و حقوق کیفری بین‌المللی به نحو خاص، مطرح می‌شود. در حالی که نسل‌کشی معمولاً با کشتار جمعی افراد زنده تداعی می‌شود، تولیدمثل‌زدایی، بر نابودی آینده اعضای یک گروه جمعیتی متمرکز است. بر این پایه، تولیدمثل‌زدایی مبتنی است بر حذف توانایی گروه برای تداوم بقا و انتقال هویت خود به نسل‌های بعدی.

این جنایت که طبق بند (d) کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸ به صراحت محکوم شده، از طریق اعمال تدابیری مانند عقیم‌سازی اجباری، تحمیل بارداری یا تخریب زیرساخت‌های سلامت باروری، به طور مستقیم، حق بنیادین گروه برای تداوم حیات را نقض می‌کند. مطالعه مصادیق تاریخی گوناگون از آلمان نازی تا خشونت‌های سیستماتیک در رواندا و نیز برخی سرکوب‌های قومیت در دوران معاصر در آمریکا، نشان می‌دهد که تولیدمثل‌زدایی، نه یک اثر جانبی جنگ یا پیامد اجتناب‌ناپذیر سیاست‌های جمعیتی بلکه یک ابزار استراتژیک برای پاک‌سازی قومی است.

تولیدمثل‌زدایی - به مثابه گونه خاص و کمتر شناخته‌شده نسل‌کشی - با هدف‌گیری بنیادین‌ترین سطح حیات جمعی، نیازمند بررسی مجزا و توجه ویژه است؛ زیرا آسیب‌های ناشی از آن (شامل آسیب‌های روانی بین‌نسلی و تغییرات دموگرافیک دائمی) دیرتر آشکار شده و اثبات قصد خاص آن نیز دشوارتر از اشکال مستقیم نسل‌کشی است. بر این اساس و به منظور تعمیق ادبیات پژوهشی حقوقی راجع به این شکل کمتر بررسی‌شده نسل‌کشی، مقاله حاضر، با هدف بررسی دقیق ماهیت این جنایت، در چارچوب حقوق کیفری بین‌المللی تدوین شده است. بر این پایه، مسأله اصلی مورد مطالعه در این پژوهش، آن است که تولیدمثل‌زدایی چیست و چه مصادیقی دارد؟ تحلیل تولیدمثل‌زدایی از منظر حقوقی، گویای چه نکاتی است؟ ویژگی‌های تولیدمثل‌زدایی به مثابه مصداقی از نسل‌کشی کدامند؟ عنصر روانی تشکیل‌دهنده تولیدمثل‌زدایی به مثابه جلوه‌ای از نسل‌کشی چیست و چه نمونه‌های تاریخی در جامعه بشری برای آن می‌توان برشمرد؟

۱. تبیین مفهومی و مصداقی تولیدمثل‌زدایی

«تولیدمثل‌زدایی»^۱ عبارت است از اقدام آگاهانه و عمدی نسبت به یک یا بیش از یک گروه جمعیتی به منظور جلوگیری از توالد و تناسل میان انسان‌ها به عنوان اعضای متعلق به آن گروه جمعیتی است به قصد آنکه رفته‌رفته، تعداد اعضای جمعیت، رو به کاهش گذاشته و چه‌بسا در نهایت، نام و نشانی از آن گروه جمعیتی باقی نماند. (Amira, ۲۰۲۱) آنچه در تعریف مفهوم تولیدمثل‌زدایی مبنای اصلی است، جلوگیری از زاد و ولد فرزندان است که به نحوی به گروه جمعیتی مشخصی، تعلق دارند. بر این اساس، با عنایت به لزوم آگاهانه بودن این رفتار، باید آن را کُنشی عمدی در نظر گرفت و بنابراین، حالت غیر عمدی آن را نمی‌توان دارای وصف مجرمانه دانست. (۲۰۲۵، ۲۰۲۲، Shoman)

تولیدمثل‌زدایی، به اقداماتی اشاره دارد که هدف مستقیم یا غیر مستقیم آن، جلوگیری از تداوم زیستی یک گروه انسانی از طریق از بین بردن امکان تولید مثل طبیعی آن گروه است. (Daher-Nashif, ۲۰۲۲، ۱۰۸۳) در واقع، این مفهوم، بُعد زیست - بدنی نسل‌کشی را برجسته می‌کند؛ یعنی به جای تمرکز بر قتل فیزیکی جمعی، بر اعمالی متمرکز است که بقا و زاد و ولد یک ملت یا قوم را ناممکن می‌سازد. این رفتار، موجب می‌شود یک گروه نتواند نسل خود را ادامه دهد؛ هرچند ممکن است اعضای آن گروه، خود، هنوز زنده باشند و بمانند. (Repo, ۲۰۲۴، ۴۹۴)

جلوگیری از توالد و تناسل اعضای جمعیت هدف، می‌تواند از طریق روش‌های گوناگون محقق گردد. به نظر می‌رسد می‌توان گونه‌های تولیدمثل‌زدایی را می‌توان عبارت دانست از دو دسته کلی؛ «مادی یا مستقیم» و «غیر مادی یا غیر مستقیم». گونه مادی یا مستقیم تولیدمثل‌زدایی، ناظر بر انسان‌های مذکر و مونثی است که رابطه جنسی آن‌ها، مبنای تولیدمثل است و بر بُعد بدنی - زیستی متمرکز است و بنابراین، ذیل این عنوان، رفتارهایی از جمله بریدن یا از کار

^۱ Reproicide

انداختن اعضای تناسلی در زنان و مردان به منظور ناتوان‌سازی جنسی و مقاربتی آنان، کنترل اجباری نرخ موالید و تلاش برای کاهش این نرخ، جداسازی‌های قهری زنان و مردان به منظور جلوگیری از هم‌بستری و آمیزش جنسی آنها، عقیم‌سازی یا سترون کردن اجباری و تحمیلی^۱ زنان و مردان، و اداسازی به سقط جنین، جداسازی غیر اختیاری زنان و مردان مایل به فرزندآوری و ... می‌توانند مصادیقی از نسل‌کشی به شکل تولیدمثل‌زدایی باشند. (Abdo, ۲۰۲۴, ۹۷).

در مقابل، گونه غیر مادی یا غیر مستقیم تولیدمثل‌زدایی، راجع به بعد غیر بدنی - غیر زیستی توالد و تناسل است و لزوماً با هدف ممنوع‌سازی یا محروم‌سازی زنان و مردان از هم‌بستری و آمیزش جنسی محقق نمی‌گردد بلکه اقداماتی نظیر ممنوع‌سازی فعالیت مراکز پزشکی و آزمایشگاه‌های فعال در امر باروری، حذف یا محدودسازی خدمات مربوط به درمان ناباروری، نابودسازی تجهیزات و زیرساخت‌های مربوط به باروری، محدودکردن دسترسی به خدمات باروری، تولید و تکثیر ژن‌های آزمایشگاهی معیوب، دست‌کاری در الگوی ژنتیکی زنان و مردان، سوء‌تغذیه قهری زنان باردار، تخریب یا از ارتفاع ساقط کردن زایشگاه‌ها، ایجاد وضعیت بارداری‌های نایمن و بالا بردن ریسک باروری برای زنان و مردان، ممنوع‌سازی ازدواج یا محروم‌سازی از آن، نقض حقوق باروری، تمهید و اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت یا تدابیر زیستی^۲ یا کنترل هدفمند نرخ جمعیت و آمار موالید، الزام قهری زنان و مردان به استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری هنگام برقراری آمیزش جنسی، ایجاد شرایط برای مرگ دفعی یا تدریجی نوزادان و مادران، جنین‌کشی، ایجاد چالش برای بارداری‌های موفق، تمهیدات و تدابیر مبتنی بر منقرض‌سازی نسلی و ... ارتکاب می‌یابند. (Baconi, ۲۰۲۰, ۸۲)^۳

از نمونه‌های پیش‌گفته، مشخص می‌شود که تولیدمثل‌زدایی از حیث ماهیت عنصر مادی و رفتار تشکیل‌دهنده، می‌تواند حالت فعل یا ترک فعل داشته باشد. در واقع، آن نمونه‌هایی که مبتنی بر رفتار مثبت هستند و دلالت بر ارتکاب اقدام ممنوع دارند، تولیدمثل‌زدایی به شکل رفتار فعلی هستند و آن مصادیقی که دربردارنده عدم اقدام لازم هستند، تولیدمثل‌زدایی به شکل رفتار ترک‌فعلی را محقق می‌سازند.

در هر صورت، هدف عمده از تولیدمثل‌زدایی، آن است که زنان و مردان متعلق به گروه جمعیتی خاص، نتوانند اقدام به فرزندآوری کنند. البته، در برخی پژوهش‌های خارجی مرتبط با این مصداق از نسل‌کشی، دو هدف برای آن در

^۱ این مورد، در ظاهر، یکی از روش‌های مرسوم پیگیری سیاست تولیدمثل‌زدایی بوده است. برخی از نویسندگان، این روش را دارای مخاطرات قابل توجهی دانسته‌اند زیرا گاه، برخی توجیهات اخلاقی به منظور ارتکاب این روش در راستای تولیدمثل‌زدایی نیز مطرح می‌شود. (Guardado & Jarratt) به نظر می‌رسد چنین رفتارهایی، در اصطلاح، نوعی عذر بدتر از گناه شناخته می‌شوند.

^۲ گاه ممکن است تحت عنوان «سیاست‌های به‌نژادی یا ترمیم نژاد» (eugenics)، اقداماتی در راستای اصلاح نسل یا دست‌کاری ژنوم، صورت گیرد. به نظر می‌رسد چنانچه نتوان هیچ دلیل قانع‌کننده و مشروعی برای این امر یافت و در عین حال، شرایط و عناصر لازم برای تحقق تولیدمثل‌زدایی، موجود و محقق باشد، در وقوع این شکل از نسل‌کشی نمی‌توان تردید کرد.

^۳ بعضی نویسندگان گفته‌اند تولیدمثل‌زدایی، در واقع، نوعی به سيطرة درآوردن بدن زنان و مردان و تحمیل قهری، اجباری، غیر داوطلبانه و غیر اختیاری یک تسلط و کنترل همه‌جانبه نسبت به قدرت باروری آنهاست. ایشان، در تعریف تولیدمثل‌زدایی، از نابودسازی ظرفیت‌های بارورانه در زنان و مردان به منظور «کشتار زادآورانه» (Reproductive Killing) سخن گفته و آن را یک «جرم علیه بقا» (Crime against survival) اعلام کرده‌اند. (Aronoff, ۲۰۲۲)

نظر گرفته شده است: هدف اولیه یا مقدماتی و هدف ثانویه یا غایی. نخستین هدف، کاهش نرخ موالید و دومین هدف، از بین بردن گروه و نابودسازی جمعیتی است.^۱ بر همین مبنا، برخی از مصنفان، بر اساس این دو هدف، تحمیل شرایط زیستی نامناسب برای زنان و مردان برای محروم یا ممنوع شدن آنها از باروری و فرزندآوری در قالب نسل‌کشی بیولوژیک^۲ را معیار عمده برای تحقق تولیدمثل‌زدایی دانسته‌اند. (Ihmoud, ۲۰۲۲, ۲۹۰)

باید توجه داشت که هر گاه، اقدامات مورد اشاره، بدون اجبار انجام شده باشند یا علیه یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی و یا به قصد از میان بردن همه یا بخشی از آنها ارتکاب نیافته باشند، نمی‌توان تولیدمثل‌زدایی را به مثابه مصداقی از نسل‌کشی، محقق دانست و بنابراین، برای تحقق این جنایت، باید این شاخص‌ها را نیز تحقق یافته دید. نکته دیگر آن است که بر اساس نظر دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا، در جوامعی که هویت کودک با توجه به هویت پدرش تعیین می‌گردد، رفتاری مثل تجاوز جنسی می‌تواند نوعی تولیدمثل‌زدایی به مثابه یک نسل‌کشی محسوب گردد چراکه چنین رفتاری، موجب خواهد شد که زن، کودکی که در دنیا بیاورد که در وهله اول، متعلق به پدرش و در درجه بعد، متعلق به آن گروه جمعیتی به شمار نیاید. (Kynsilehto, ۲۰۲۴, ۱۴۷۰) نمونه‌های متعددی از این وضعیت، در جوامعی مانند رواندا گزارش و حتی منتهی به این شده است که کودکان متولد شده، توسط مادرانشان به قتل رسیده‌اند یا رها شده‌اند تا بمیرند. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵، ۹۸)

در معدود ادبیات پژوهشی موجود پیرامون تولیدمثل‌زدایی، این شکل از نسل‌کشی، ناکارآمد کردن، محروم کردن و ممنوع کردن بدن‌های بالقوه و آماده برای باروری از روش‌های طبیعی یا غیر طبیعی فرزندآوری توصیف شده است. از سوی دیگر، این نکته نیز مورد تصریح بوده است که دامنه و گستره آثار و پیامدهای تولیدمثل‌زدایی، به نسل‌های فعلی محدود نیست بلکه نسل‌های بعدی را نیز دربرمی‌گیرد چراکه به عنوان نمونه، اقدامی مانند عقیم‌سازی کودکان دختر و پسر در بدو تولد، جریان تولیدمثل را تا چندین نسل و چه‌بسا به صورت دائمی، با مانع روبرو سازد. (۱۱۶، Semerdjian, ۲۰۲۴)

بر همین مبناست که برخی، تولیدمثل‌زدایی را در ماهیت، یک مرگ تدریجی برای یک گروه جمعیتی محسوب کرده‌اند. یکی از تحلیل‌گران در این باره نوشته است: «نسل‌کشی فقط ناظر بر کشتن نیست بلکه همین مقدار که اجازه ندهی کودکی در یک گروه جمعیتی خاص متولد شود تا آن گروه جمعیتی، رفته‌رفته موجودیت خود را از دست بدهد نیز مرتکب نسل‌کشی شده‌ای...» (Sultany, ۲۰۲۴, ۲۸۱) در برخی دیگر از تألیفات، جلوگیری از تولد و

^۱ برخی از نویسندگان، نظر به آنکه هدف نهایی از تولیدمثل‌زدایی، نابودسازی جمعیت است، آن را چیزی شبیه جنایت علیه بشریت انگاشته‌اند (۱۷۹، ۲۰۲۲، Nijim) اما به نظر می‌رسد چندان نمی‌توان با این عقیده، هم‌داستان بود چراکه جنایت علیه بشریت، ویژگی‌هایی دارد مبتنی بر «یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه یک جمعیت غیر نظامی» حال آنکه برای تحقق تولیدمثل‌زدایی به عنوان یک گونه از نسل‌کشی، وجود حمله یا گستردگی و سازمان‌یافتگی یا غیر نظامی بودن جمعیت هدف، نیاز نیست بلکه بدون وجود حمله یا بدون آنکه ضرورتی به گستردگی یا سازمان‌یافتگی رفتار باشد و یا بی‌آنکه جمعیت هدف، غیر نظامی باشد نیز تولیدمثل‌زدایی، قابل ارتکاب است.

^۲ به نظر می‌رسد با این رویکرد، نسل‌کشی بیولوژیک یا زیستی (Biological Genocide) را بتوان در نقطه مقابل نسل‌کشی فرهنگی (Cultural Genocide) قرار داد؛ در حالی که اولی، مبتنی بر نابودسازی یک گروه جمعیتی از نظر تعداد کمی و آماری است و تهدید فیزیکی مستقیم علیه انسان‌ها در آن ارتکاب می‌یابد، در دومی، هدف، از میان بردن عناصر و مولفه‌های فرهنگی، زبانی، نژادی، مذهبی و قومی است. (برای مطالعه بیشتر در مورد نسل‌کشی فرهنگی، بنگرید به: لارنس، ۱۳۹۹ و نیز آرش پور و زحمتکش، ۱۳۹۶)

تناسل و تولیدمثل، یک «خشونت آهسته»^۱ اعلام شده که موجب تدریجی شدن نیستی در میان اعضای یک گروه جمعیتی می‌گردد. (Wahono, ۲۰۲۴, ۳۹).

در تولیدمثل‌زدایی، در واقع، به جای آنکه جسم یا بدنی کشته یا مجروح گردد، از ایجاد چیزی شبیه خودش به عنوان فرزند، بازداشته می‌شود. برخی، در توصیف این وضعیت، از عبارت «نسل‌زدی»^۲ به جای «نسل‌کشی» استفاده کرده و گفته‌اند در تولیدمثل‌زدایی، در واقع، یک انقطاع موقت یا دائمی تولیدمثل محقق می‌شود هرچند ممکن است بعد جسمانی زنان یا مردان، هیچ آسیب مشهود، محسوس یا مشخصی نیز ندیده باشد. (Goodman, ۲۰۲۲, ۲۲۲).

۲. تحلیل تولیدمثل‌زدایی از منظر حقوقی

تولیدمثل‌زدایی، از منظر تحلیل حقوقی، در تعارض آشکار با مجموعه‌ای از حق‌های بنیادین بشری است. از یک سو، یکی از مهم‌ترین حق‌های نقض شده به موجب این رفتار، حق حیات است که در تمام اسناد حقوق بشری، مورد شناسایی بوده و به موجب این اسناد، دولت‌ها نیز موظف به مقابله با رفتارهایی هستند که به هر نحو نامشروع و غیر قانونی، این حق را پایمال می‌سازند. بر همین اساس است که بند «د» ماده ۲ کنوانسیون منع نسل‌کشی (۱۹۴۸ م)، با عبارت «اعمال تدابیری برای جلوگیری از تولد در داخل گروه»، تولیدمثل‌زدایی را نوعی نسل‌کشی و در نتیجه، جرمی مهم ارزیابی کرده است.

از سوی دیگر، به همان اندازه که اجبار به ازدواج و تحمیل بارداری، در تعارض آشکار با حق بر امنیت و آزادی شخصی شناخته می‌شود، اجبار به رفتارهایی از جمله عقیم‌سازی و جلوگیری تحمیلی از باروری نیز در تضاد مبین با این حق قرار می‌گیرد. حق امنیت و آزادی شخصی، در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، این حق به رسمیت شناخته شده است.^۳ در ماده ۵ همین سند مهم بین‌المللی^۴، حق بر عدم شکنجه یا رفتار بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز نیز مقرر است که به نظر می‌رسد تولیدمثل‌زدایی و اجبار به رفتارهای مبتنی بر آن، با عنایت به ویژگی‌ها و پیامدهایی که دارد، این حق را نیز نقض می‌کند. (Freeman & Shoman, ۲۰۲۵, ۱۳۳).

^۱ Slow violence

^۲ Stealing Generation

^۳ ماده ۳: «هر کس حق دارد از زندگی و آزادی و امنیت شخص خویش برخوردار باشد.»

^۴ ماده ۵: «هیچ کس را نمی‌توان شکنجه کرد یا مورد عقوبت یا روش وحشیانه و غیر انسانی یا اهانت‌آمیز قرار داد.»

یک حق مهم بشری که تولیدمثل زدایی، در تعارض روشن با آن قرار می‌گیرد، حق بر ازدواج و تشکیل خانواده است که از جمله در ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر شناسایی شده است.^۱ به موجب این حق، انسان از این امتیاز برخوردار است که هر زمان که خود بخواهد، اقدام به فرزندآوری نماید. بنابراین، مسأله مبتنی بر اختیار و اراده انسان است و بنابراین، هر اقدامی که وی را از این حق محروم کند، محکوم به عدم پذیرش خواهد بود.

تولیدمثل زدایی، در تعارض با برخی حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز هست از جمله حق بر سلامت که در ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۵۴ م) مورد شناسایی است^۲ و یا حق بر مشارکت در زندگی فرهنگی که در ماده ۱۵ همین سند مهم بین‌المللی، مقرر شده است.^۳ علاوه بر همه حق‌های پیش‌گفته، تولیدمثل زدایی، به طور مشخص، حق مهمی در ارتباط با زنان را نقض می‌کند و آن، حق بر تصمیم‌گیری در مورد اصل بارور شدن و فروع آن از جمله تعداد فرزندان و فاصله بین تولدهاست. این حق، به ویژه در شق ۵ از بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض از زنان (۱۹۷۹ م) شناسایی شده است.^۴ بنابراین، اجبار یک زن به سقط جنین یا عقیم شدن یا بارور نشدن، بر خلاف این حق بشری خاصی است که برای زنان، مقرر است. نکته دیگر آنکه؛ در تمام این موارد، انسان(زن یا مرد)، حق استقلال در تصمیم‌گیری نسبت به بدن خود و نیز حق تصمیم‌گیری نسبت به توالد و تولیدمثل اختیاری را نقض می‌کند. (Ben Saad، ۲۰۲۴، ۲).

بر این اساس و با توجه به ویژگی‌هایی که از تولیدمثل زدایی مورد نظر است، می‌توان گفت از منظر حقوقی، تولیدمثل زدایی، در عین آنکه حق‌های بنیادین فردی را نقض می‌کند، از آنجا که اقدامی است متوجه اعضای یک گروه یا جمعیت خاص انسانی، با حق‌های بنیادین جمعی نیز در تعارض قرار می‌گیرد چرا که هدف یا نتیجه اصلی‌اش، نقض حق جمعی یک گروه برای بقا از طریق تولیدمثل است. (Thibeault، ۲۰۲۴، ۳۸).^۵

از منظر تحلیلی باید افزود که در بعد جمعی، بقا و تداوم یک گروه قومی، ملی یا مذهبی به توانایی آن در انتقال نسل‌ها وابسته است. جلوگیری از این امر، به معنای محو تدریجی هویت آن گروه از صحنه تاریخ است که این خود،

^۱ ماده ۱۶: «الف) زن و مرد وقتی به سن ازدواج برسند، می‌توانند بدون هیچ قید نژادی و ملی و دینی، ازدواج کنند و خانواده بنیاد گذارند. آنان به هنگام زناشویی و در اثناء و هنگام انحلال ازدواج دارای حقوق متساوی می‌باشند، ب) عقد ازدواج، جز با رضای آزادانه همسران آینده قانونی نیست، ج) خانواده عنصر طبیعی و اساسی اجتماع است و باید از پشتیبانی جامعه برخوردار باشد.»

^۲ ماده ۱۲: «کشورهای طرف این میثاق، حق هر کس به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن‌الحصول را به رسمیت می‌شناسند...»

^۳ ماده ۱۵: «کشورهای طرف این میثاق، حق هر کس را در امور ذیل به رسمیت می‌شناسند: الف) شرکت در زندگی فرهنگی ...»

^۴ «دولت‌های عضو باید اقدامات لازم را برای رفع تبعیض علیه زنان در همه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی به عمل آورند و مخصوصاً بر پایه تساوی حقوق مرد و زن امور زیر را تضمین کنند: ... ه) حقوق مساوی برای تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه در زمینه تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و دسترسی به اطلاعات، آموزش و وسایلی که آن‌ها را برای اعمال این حقوق قادر سازند.»

^۵ در حقوق بین‌الملل موضوعه، با مقررهای که به صراحت، چنین حق جمعی‌ای را شناسایی کرده باشد، روبرو نیستیم و آنچه تحت عنوان حق جمعی یک گروه برای بقا از طریق تولیدمثل، در اینجا مطرح شده، بیشتر مبتنی بر رویکرد دکترین غالب و نیز رویه‌های پذیرفته‌شده در سطح بین‌المللی است. برای مطالعه بیشتر درباره این حق، بنگرید به:

نقض حقوق جمعی^۱ آن گروه برای حفظ هویتشان^۲ می‌باشد. نتیجه غایی آنکه؛ در سطح جمعی، تولیدمثل‌زدایی، می‌تواند یک استراتژی مجرمانه به شمار آید که از طریق نقض حقوق فردی، هدف نهایی نابودی جمعی را برای مرتکبان آن (اعم از آمر و عامل)، محقق می‌گرداند.

۳. ویژگی‌های تولیدمثل‌زدایی به مثابه مصداقی از نسل‌کشی

به نظر نمی‌رسد عدم تعلق مرتکب به گروه مورد حمایت یا در اقلیت قرار داشتن آن گروه در جامعه، شرط لازم برای تحقق تولیدمثل‌زدایی به مثابه نسل‌کشی باشد بلکه چه‌بسا عضوی از همان گروه هدف را بتوان در صورت احراز عناصر و شرایط لازم، به ارتکاب این مصداق از نسل‌کشی متهم ساخت؛ نظیر زمانی که عضوی از یک گروه یهودی، به یک‌باره از یهودی بودن خود پشیمان شده و برای جلوگیری از تولد نوزادان یهودی از مادران متعلق به گروه، به هر شکل ممکن، شرایط را برای جلوگیری از تولد و تناسل میان زنان و مردان متعلق به گروه، فراهم آورد.^۳ با تحلیل ماهیت تولیدمثل‌زدایی به مثابه مصداقی از نسل‌کشی، می‌توان ویژگی‌های خاصی برای آن برشمرد به شرح زیر؛

- هدف‌گیری استراتژیک برای نابودسازی یک گروه جمعیتی در زمان حال و آینده

برخلاف قتل عام که هدفش نابودی فوری اعضای گروه است، تولیدمثل‌زدایی بر حذف بقای جمعیتی در طول نسل‌ها متمرکز است. بنابراین، این تاکتیک به طور خاص، ظرفیت بازتولید گروه هدف را هدف قرار می‌دهد تا تضمین کند که آن گروه، دیگر در آینده وجود نخواهد داشت؛ حتی اگر امروز همه اعضای آن زنده بمانند. در توضیح بیشتر می‌توان افزود که نابودی نسل آینده، مؤثرترین راه برای حذف یک گروه هویت‌محور (قومی، نژادی یا مذهبی) از تاریخ است زیرا هویت و فرهنگ، از طریق انتقال بین‌نسلی منتقل می‌شود. (Irfan et al.، ۲۰۲۴، ۱۷۲۵)

- استفاده از بدن انسان به عنوان «یک میدان نبرد» یا «یک ابزار جنایت»

در تولیدمثل‌زدایی، بدن انسان، به ویژه بدن زن، مستقیماً به ابزار اجرای سیاست نسل‌کشی تبدیل می‌شود. در واقع، تمامیت جسمانی زنان و مردان، در تولیدمثل‌زدایی، از یک سو، هدف و از سوی دیگر، حربه‌ای برای ارتکاب نسل‌کشی است. (Saad et al.، ۲۰۲۳، ۷۸۷)

- پنهانی بودن رفتار

^۱ برای مطالعه بیشتر در مورد مفهوم و اوصاف حقوق جمعی، بنگرید به: انصاری، ۱۳۹۲، ۴۷۱-۵۲۱.

^۲ برای مطالعه بیشتر در مورد هویت جمعی، بنگرید به: ۲۲-۵۸، Kofman، ۲۰۱۶.

^۳ این شکل از تولیدمثل‌زدایی را می‌توان در حقیقت، auto reprocide نامید.

به نظر می‌رسد این شکل از نسل‌کشی، برخلاف بسیاری دیگر از اشکال و گونه‌های آن، کمتر کشف می‌گردد و اساساً چه‌بسا محتاج آشکارسازی نیز نباشد. در واقع، تولیدمثل‌زدایی، حتی در پستوهای آزمایشگاه‌ها و خانه‌ها نیز قابل ارتکاب است و نیازی به برخی اقدامات از جمله لشکرکشی و تجهیز تسلیحاتی و ... نیز ندارد.^۱ به دیگر سخن، تولیدمثل‌زدایی، غالباً شکلی از نسل‌کشی است که بی‌صدا و در خفا انجام می‌شود و در مراحل اولیه نیز چه‌بسا قابل تشخیص نباشد و از اینجاست که دلیل تسمیه این شکل از نسل‌کشی به «جنایت خاموش»^۲، مشخص می‌گردد. (۵، Matthews، ۲۰۲۵)

در توضیح و تحلیل بیشتر این فقره می‌توان دو نکته را یادآور شد؛ نخست آنکه، هرگز نباید پوشش مشروع و قانونی که ممکن است مرتکبان تولیدمثل‌زدایی برای ارتکاب آن برگزینند، فراموش شود چراکه آمران و عاملان این جنایت، چه‌بسا آن را تحت عناوین قانونی ساختگی مانند «کنترل جمعیت»، «بهداشت عمومی»، «برنامه تنظیم خانواده» یا «توازن نژادی/ قومی» پنهان کنند. دوم اینکه، در تحلیل آثار و پیامدهای این شکل از نسل‌کشی، با تأخیر در آشکار شدن نتایج، روبرو هستیم؛ به این معنا که آثار و پیامدهای کامل این جنایت (نابودی گروه) در طول چندین دهه مشخص می‌گردند در حالی که آثار و پیامدهای جنایات دیگر (نظیر قتل عام)، بلافاصله آشکار می‌شوند.^۳

- تمرکز بر زنان به عنوان حاملان و پرورش‌دهندگان اصلی نسل

با اینکه مردها نیز می‌توانند بزه‌دیده تولیدمثل‌زدایی باشند، اما به نظر می‌رسد آثار و پیامدهای این شکل از نسل‌کشی، نسبت به زنان، با شدت و روشنی بیشتری قابل تحلیل است. بر این پایه، تولیدمثل‌زدایی، چه‌بسا بتواند نشان‌دهنده نوعی مردسالاری جنایی^۴ نیز باشد که به واسطه آن، یک کنترل کامل بر توانایی تولیدمثل زنان اعمال می‌شود. در نتیجه، می‌توان تولیدمثل‌زدایی را واجد یک آسیب دوگانه محسوب کرد زیرا این جنایت، نه‌تنها علیه یک گروه جمعیتی که زنان نیز جزوی از آن هستند بلکه به‌طور خاص، علیه نقش زنانه در تداوم آن گروه طراحی شده و ارتکاب می‌یابد. (۳۳، ۲۰۲۴، Some of authors)

^۱ بر همین اساس، به نظر می‌رسد می‌توان تولیدمثل‌زدایی را از منظر گونه‌شناسی جرایم در دانش جرم‌شناسی، یک جرم آپارتمانی و نه یک جرم خیابانی دانست. توضیح آنکه؛ جرم آپارتمانی (apartment crime)، به طور معمول، جرمی است که پوشیده از انظار عمومی و غالباً به صورت پنهانی ارتکاب می‌یابد و به همین سبب، رقم سیاه بزهکاری در مورد چنین جرمی، معمولاً بالاست. برعکس، جرم خیابانی (street crime)، اغلب آشکارا رخ می‌دهد. نقل از: نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۴۰۰، ۱۸۳)

^۲ Silent Felony(Crime)

^۳ همانند وضعیت بزهکاری‌ها در نظام‌های حقوقی ملی، در عرصه بین‌المللی نیز یک معضل بزرگ فراروی کشورها، بالا بودن رقم سیاه بزهکاری در جنایات بین‌المللی است چراکه بسیاری از مصادیق این جنایات از جمله نسل‌کشی و مصادیق خاص آن نظیر تولیدمثل‌زدایی، چه‌بسا کشف نشوند حال آنکه واقع شده‌اند و بسیاری از انسان‌ها را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، بزه‌دیده جسمانی یا روانی و عاطفی ساخته‌اند. بر این اساس، نگاهی جرم‌شناختی با محوریت توجه به زمینه‌ها و بسترهای وقوع جنایات بین‌المللی، در کنار تحلیل حقوقی آن‌ها لازم است. برای مطالعه بیشتر، بنگرید به: رضوی‌فرد، ۱۴۰۴، ۱۹۷-۲۴۱)

^۴ Criminal Patriarchy

۴. عنصر روانی تشکیل‌دهنده تولیدمثل‌زدایی به مثابه جلوه‌ای از نسل‌کشی

در مورد عنصر مادی تشکیل‌دهنده تولیدمثل‌زدایی به مثابه جلوه‌ای از نسل‌کشی؛ یعنی همان رفتارهایی که مشمول این عنوان مجرمانه قرار می‌گیرند، پیش از این، مطالبی ذکر شد. به طور خلاصه، عنصر مادی این شکل از نسل‌کشی عبارت است از هرگونه اقدام مستقیم یا غیر مستقیم برای جلوگیری از زاد و ولد در میان گروه هدف.

در اینجا به منظور تکمیل بحث از عناصر تشکیل‌دهنده تولیدمثل‌زدایی، لازم است اشاره‌ای به وضعیت عنصر روانی این مصداق از نسل‌کشی نیز داشته باشیم. در این باره می‌توان گفت همان‌طور که دادگاه فدرال آلمان در پرونده «جورچیچ» در سال ۱۹۹۹ م به درستی گفته است، در نسل‌کشی [و مصادیق آن]، مرتکب، قربانی را نه به عنوان یک شخص بلکه به عنوان عضوی از یک گروه، باید هدف قرار دهد. وجود عبارت «به عنوان گروه»^۱ در انتهای جمله صدر ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (اساسنامه رم)^۲ نیز موید همین دیدگاه است.

به این ترتیب، علاوه بر عمد عام در ارتکاب رفتارهایی که تولیدمثل‌زدایی محسوب می‌شوند، سوءنیت خاص مرتکب در از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه قومی، ملی، نژادی یا مذهبی نیز برای تحقق این شکل از نسل‌کشی ضروری است. در نتیجه، مصادیق کم‌اهمیت‌تر یا درجات پایین‌تر عنصر روانی از جمله سهل‌انگاری یا مسامحه برای تحقق این جرم، کفایت نمی‌کند. همچنین، علم به اینکه رفتارها نسبت به یک گروه جمعیتی خاص ارتکاب می‌یابند نیز برای تحقق تولیدمثل‌زدایی لازم است و بنابراین، با انتفای این وجه از آگاهی، این مصداق از نسل‌کشی، محقق نخواهد شد. (Rosenthal, ۲۰۲۱, ۴۳۵)

حتی می‌توان گفت که تعریف ماده ۳۰ اساسنامه رم که علم را هم کافی می‌داند، در مورد تولیدمثل‌زدایی به عنوان یک مصداق از نسل‌کشی، پذیرفته نیست. پذیرش این نظر، منتهی به این امر می‌شود که در مورد سربازان و مأموران که بدون قصد نابود کردن یک گروه یا بخشی از آن، تنها دستورات مقامات مافوق را اجرا کرده‌اند ولی می‌دانسته‌اند که با اقدامات آن‌ها بخشی از یک گروه خاص نابود می‌شوند نیز نتوان حکم به ارتکاب تولیدمثل‌زدایی به عنوان یک حالت از نسل‌کشی نمود.

از سوی دیگر، برای تحقق تولیدمثل‌زدایی به عنوان مصداقی از نسل‌کشی، باید قصد از میان بردن همه یا بخشی از افرادی که متعلق به یک گروه قومی، ملی، نژادی یا مذهبی هستند نیز در رفتار ارتكابی موجود باشد. به این ترتیب، جلوگیری از تولیدمثل افراد، به این سبب که چرا مثلاً سفیدپوست یا مسلمان نیستند، نمی‌تواند تولیدمثل‌زدایی به عنوان نسل‌کشی باشد اما این جلوگیری، اگر به دلیل باشد که مثلاً آن افراد، یهودی یا اهل جغرافیای سرزمینی خاصی هستند، تولیدمثل‌زدایی به عنوان نمونه‌ای از نسل‌کشی خواهد بود.

^۱ As such

^۲ «For the purpose of this Statute, “genocide” means any of the following acts committed with intent to destroy, in whole or in part, a national, ethnical, racial or religious group, *as such*: ...»

باید افزود که سوءنیت خاص در تولیدمثل‌زدایی به معنای قصد خاص از بین بردن یک گروه یا بخشی از آن را می‌توان از راه‌هایی چون اظهارات قبلی مرتکب(برای مثال، عقیده‌ای که او نسبت به لزوم نابودسازی فلان جمعیت خاص ابراز داشته ست) یا دیدگاه کلی حزب یا گروهی که وی به آن تعلق دارد و وی، با علم به این دیدگاه، عضو آن حزب یا گروه شده است، استنباط کرد. به دیگر سخن، هر گاه مرتکب، طرفدار دیدگاهی باشد که معتقد به لزوم نابودسازی گروه خاصی از مردم است یا تعداد قابل توجهی از اعضای آن گروه، قربانی اعمال وی شده باشند، چنین قرائنی، موید قصد خاص وی در نابود کردن همه یا بخشی از آن گروه یا جمعیت خاص است.(Bouachba, ۲۰۲۴, ۵۶۱, et al)

با این همه، انگیزه مرتکب(مثلاً اینکه وی می‌خواسته است از تولد نوزادان یهودی جلوگیری نماید و به جای آن، بستر تولد نوزادان مسلمان را فراهم آورد!)، واجد تأثیر در ماهیت تولیدمثل‌زدایی به مثابه مصداقی از نسل‌کشی و مانع وقوع این جنایت نیست. البته باید اذعان نمود که گاه در عمل، تفکیک میان نیت و قصد(به عنوان یک عامل مرتبط) و انگیزه(به عنوان یک عامل نامرتبط) چندان آسان نیست.

از دیگر سو، این نکته بدیهی است که از میان رفتن فیزیکی تمام یا بخشی از یک گروه یا جمعیت خاص ضرورت ندارد بلکه قصد خاص مرتکب برای تحقق چنین امری، ضروری است و در صورت فقدان اقرار متهم به این امر، می‌بایست با توسل به قرائن و امارات موجود(مثل نظر گروه یا حزبی که مرتکب در آن عضویت آگاهانه داشته است نسبت به لزوم جلوگیری از توالد و تناسل میان زنان و مردان متعلق به یک گروه یا جمعیت خاص)، استنتاج شود.(۳۹, Abu Hamad et al, ۲۰۲۴)

در مجموع، عنصر روانی تولیدمثل‌زدایی را می‌توان قصد آگاهانه و خاص برای نابودی زیستی یا جمعیتی گروه از طریق از بین بردن ظرفیت تولیدمثل آن گروه دانست. حتی می‌توان تصور کرد که اشخاصی از گروه اقلیت فاقد حمایت، مرتکب تولیدمثل‌زدایی از گروه اکثریت یکه یک گروه مورد حمایت هستند شوند و یا گروهی که موضوع اقدام قرار گرفته، خود، متشکل از گروه‌های مختلفی باشد که مورد حمایت کنوانسیون‌های بین‌المللی هستند.^۱

^۱ ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که در تحلیل مصادیق نسل‌کشی از جمله تولیدمثل‌زدایی، باید توجه داشت که قصد نابود کردن یک گروه، حتی بخشی از آن، به معنی قصد نابود کردن یک بخش مشخص از آن گروه در مقابل از بین بردن افراد پراکنده‌ای در داخل گروه است. هرچند مرتکبان نسل‌کشی و مصادیق آن از جمله تولیدمثل‌زدایی، لازم نیست که قصد از بین بردن کلیت یک گروه مورد حمایت کنوانسیون‌های مربوط را داشته باشند اما باید آن بخش از گروه را که در صدد نابود کردن آن هستند، به عنوان یک بخش مشخص که باید به این عنوان نابود شوند، در نظر داشته باشند. بدین ترتیب، اقدامات منجر به قتل افراد متعدد از یک گروه مورد حمایت در مناطق جغرافیایی مختلف ممکن است به رغم تعداد زیاد قربانیان، نسل‌کشی محسوب نشود زیرا نشانگر قصد مرتکبان در هدف گرفتن آن گروه، به عنوان یک گروه نیست. برعکس، کشتن تمام اعضای بخشی از گروه که در یک ناحیه جغرافیایی کوچک ساکن هستند، هرچند منجر به قربانیان کمتری شود، اگر با قصد از بین بردن آن بخش از گروه که ساکن آن منطقه کوچک هستند، انجام گیرد، نسل‌کشی محسوب می‌شود. برای مطالعه بیشتر در مورد عناصر و ارکان تشکیل‌دهنده نسل‌کشی، بنگرید به: پورباقرانی، ۱۴۰۴، ۲۶۶-۲۷۱(مومنی، ۱۳۹۹، ۲۰۲-۲۰۴)(شریعت‌باقری، ۱۴۰۲، ۲۵۵-۲۰۵)

۵. مروری بر برخی نمونه‌های تاریخی آشکار تولیدمثل‌زدایی به عنوان یک نسل‌کشی

برای تولیدمثل‌زدایی به مثابه یک نوع نسل‌کشی، می‌توان برخی نمونه‌های تاریخی برشمرد از جمله؛

۵-۱ عقیم‌سازی اجباری بومیان در آمریکا (اوایل قرن بیستم تا دهه ۱۹۷۰ م)

بزه‌دیدگان این رفتار، زنان و مردان بومی آمریکا، به‌ویژه در ایالت‌هایی مانند کارولینای شمالی، اورگان و کالیفرنیا بودند. گزارش‌های متعددی نشان می‌دهند که این عقیم‌سازی‌ها بدون رضایت بزه‌دیدگان و به صورت آگاهانه انجام شده است. برخی مطالعات تخمین می‌زنند که بین ۲۵ تا ۵۰ درصد از زنان بومی در برخی مناطق تا دهه ۱۹۷۰ عقیم شده‌اند. این اقدامات در راستای سیاست‌های قدیمی‌تر جذب اجباری کودکان و «همسان‌سازی»^۱ بود اما اثر مستقیم آن، نابودی جمعیتی نسل‌های آینده بود. (Lawrence، ۲۰۰۰، ۴۰۳)

۵-۲ برنامه برتری نژادی در دوره آلمان نازی (دهه ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۵ م)

بزه‌دیدگان این شکل از نسل‌کشی، افراد دارای معلولیت‌های ژنتیکی، بیماران روانی، معتادان، کولی‌ها (رومی‌ها و سیتی‌ها) و در مواردی، افراد فقیر و غیر مطلوب اجتماعی بودند. اجرای قانون «پیشگیری از زاد و ولد زوجین دارای بیماری‌های ارثی» در سال ۱۹۳۳ م، نقطه اوج اجرای سیاست نسل‌کشی از طریق تولیدمثل‌زدایی در دوره آلمان نازی محسوب می‌شود. اعمال این قانون، منجر به عقیم‌سازی اجباری حدود ۴۰۰،۰۰۰ نفر از شهروندان آلمانی شد. همچنین برنامه کشتار کودکان معلول و برنامه‌های خاص برای زنان یهودی و اقلیت‌های دیگر در راستای سیاست‌های پاک‌سازی قومی - نژادی اجرا شد. این اقدامات در چارچوب قوانین رسمی رایش سوم برای «حفظ خلوص نژادی آریایی» انجام شد و به صراحت، قصد جلوگیری از زاد و ولد در گروه‌هایی که «غیر قابل ارزش» محسوب می‌شدند، داشت. این، یکی از واضح‌ترین نمونه‌های پیاده‌سازی تولیدمثل‌زدایی در مقیاس وسیع به شمار می‌رود. (Burleigh، ۱۹۹۴، ۱۹۳)

۵-۳ تولیدمثل‌زدایی در هنگامه جنگ بوسنی و هرزگوین (۱۹۹۲-۱۹۹۵ م)

بزه‌دیدگان این رفتار، زنان مسلمان بوسنیایی (بُسنی‌اک) بودند و اقدامات انجام‌شده در راستای تحقق این نوع نسل‌کشی، استفاده سیستماتیک از تجاوز جنسی توسط نیروهای صرب بوسنیایی به عنوان یک سلاح جنگی برای باردار کردن اجباری زنان مسلمان بود. در عین حال، هدف از این کار، نابودی نمادین گروه بوسنیایی و آلوده کردن

^۱ Assimilation

خون آن‌ها با میراث مهاجمان بود. دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق^۱ از جمله به این رفتار نیز رسیدگی قضایی کرد و این تجاوز جنسی سازمان‌یافته را مصداق نسل‌کشی تشخیص داد. اگرچه هدف اصلی تجاوز جنسی در برخی موارد صرفاً تحقیر بزه‌دیده بود، اما بارداری‌های ناشی از آن، به وضوح، به قصد تغییر ترکیب جمعیتی و سلب حق تولیدمثل طبیعی از زنان بوسنیایی تلقی می‌شود. (Mladenović, ۲۰۰۷, ۷۹).

در ارتباط با وضعیت بوسنی و زنان بوسنیایی، اشاره به دو رأی معروف، ضروری است؛

یکم، رأی دیوان بین‌المللی دادگستری^۲ در پرونده «بوسنی علیه صربستان» در سال ۲۰۰۷ م که در آن، دیوان، به طور مشخص در مورد «اثبات قصد خاص» به موضوع جداسازی اجباری مردان و زنان در سربرنیتسا اشاره و اعلام کرد که وقتی تمام مردان یک گروه در سن باروری کشته می‌شوند یا از زنان جدا می‌شوند، هدف مرتکب، عملاً و عمداً جلوگیری از تداوم بیولوژیک آن گروه است و به این ترتیب، «جداسازی قهری جنسیتی»^۳، اگر با قصد نابودی گروه باشد، یکی از مصادیق مادی تولیدمثل‌زدایی است. (Stiglmeier, ۱۹۹۴, ۱۱۶).

دوم؛ رأی دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده «کریستیچ»^۴ که در آن، به مفهوم «نابودی بیولوژیک»^۵ پرداخته شده است. دادگاه در این پرونده اعلام کرد که نسل‌کشی، لزوماً به معنای کشتن تمام اعضای گروه در لحظه نیست بلکه اگر اقداماتی انجام شود که گروه را از نظر فیزیکی و بیولوژیکی به نحوی فلج کند که نتواند خودش را بازسازی^۶ کند نیز نسل‌کشی محقق شده است. بر این اساس، به باور دادگاه، ایجاد شرایط «مرگ تدریجی قهری»^۷ به منظور جلوگیری از توالد و تناسل و تولیدمثل، مصداقی از تولیدمثل‌زدایی است. (Čolić, ۲۰۰۳, ۷۰۷).

۴-۵ تولیدمثل‌زدایی به مثابه نسل‌کشی در رواندا (۱۹۹۴ م)

بزه‌دیدگان این جنایت، زنان قبیله توتسی بودند و اقدامات ارتكابی در راستای آن، مشابه مورد بوسنی در بند قبل، تجاوز جنسی توسط نیروهای هوتو به صورت سیستماتیک (سازمان‌یافته) به زنان توتسی انجام شد. هدف، تولید کودکانی بود که از نظر نژادی مخلوط باشند تا به این ترتیب، «پاک‌سازی» قبیله‌ای، به شیوه‌ای نمادین تکمیل شود و

^۱ ICTY

^۲ ICJ

^۳ Gender Segregation

^۴ Prosecutor v. Krstić (2001)

^۵ Biological Elimination

^۶ Reconstitute

^۷ Gradual and forced death

هویت توتسی را از طریق نسل‌های آینده تضعیف گردد. دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا^۱ این تجاوز جنسی را مستقیماً در چارچوب اتهامات نسل‌کشی محکوم کرد زیرا این عمل با قصد نابودی یک گروه قومی اجرا شده بود. رأی مشهور و تاریخی دادگاه رواندا در پرونده «آکایسو»^۲، یک سنگ‌بنا برای تفسیر مدرن از تولیدمثل‌زدایی است. شعبه رسیدگی‌کننده در پاراگراف‌های ۵۰۷ و ۵۰۸ این رأی اعلام کرد که عبارت «جلوگیری از تولد و تناسل» (مشمول بند «د» ماده ۲ کنوانسیون نسل‌کشی) فقط شامل جراحی و عقیم‌سازی فیزیکی نیست بلکه تجاوز جنسی در این پرونده، با هدف تغییر ترکیب قومی نسل بعدی انجام شده است. همچنین، در مواردی که تجاوز جنسی باعث شود زنان بزه‌دیده، به دلیل لطمه روحی شدید، دیگر تمایلی به فرزندآوری نداشته باشند نیز این عمل، مصداق بارز تحمیل تدابیر برای جلوگیری از تولد در میان گروه شناخته می‌شود. (Hagan & Kipsang, ۲۰۰۸, ۱۶۰)

۵-۵ سرکوب اوغورها در چین (۲۰۱۷ م)

زنان مسلمان اوغور در منطقه سین‌کیانگ چین، عمده بزه‌دیدگان این جنایت بودند. دولت چین، به ویژه از ۲۰۱۷ م، سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای را برای کنترل جمعیت اوغورها اعمال کرده که شامل عقیم‌سازی اجباری گسترده و نصب دستگاه‌های داخل رحمی^۳ به‌طور اجباری در زنان، سقط جنین اجباری، جداسازی کودکان از والدین و فرستادن آن‌ها به مدارس شبانه‌روزی تحت کنترل دولت بوده است. این مورد، یکی از جدیدترین و مستندترین نمونه‌های تولیدمثل‌زدایی محسوب می‌شود. بر اساس گزارش‌های موجود (از جمله گزارش‌هایی که توسط محققانی مانند آدرین زنز^۴ تدوین شده) و نیز مطابق با شهادت شاهدان، در نتیجه اجرای این سیاست‌ها، نرخ زاد و ولد، در مناطق اوغورنشین به‌طور چشم‌گیری (تا بیش از ۶۰ درصد در برخی مناطق) کاهش یافت. هرچند دولت چین، این اقدامات را انکار می‌کند اما اسناد و شواهد کافی برای محکومیت این سیاست‌ها به‌عنوان بخشی از یک نسل‌کشی فرهنگی و جمعیتی از راه تولیدمثل‌زدایی موجود است. (Zenz, ۲۰۲۰, ۸۸)

نکته مهم در راستای تحلیل و جمع‌بندی موارد اشاره شده، این است که در همه این موارد، عامل مشترک، اعمال قدرت دولت یا نیروی مسلط برای کنترل فرآیند اساسی حیات (تولیدمثل) گروه هدف است که مستقیماً با قصد نابودی جمعیتی، هم‌راستا بوده است.

^۱ ICTR

^۲ Prosecutor v. Akayesu (1998)

^۳ IUD

^۴ Adrian Zenz

۶- نتیجه‌گیری

شکل خاصی از نسل‌کشی، تولیدمثل زدایی است. حقوق کیفری بین‌المللی، با در نظر گرفتن و شناسایی این مصداق، به دنبال حفاظت از بقای گروه‌های جمعیتی در برابر برنامه‌های سازمان‌یافته نابودی، حتی در شکلی غیر مستقیم و پنهان، است. از آنجا که ضرورتی به حدوث وضعیت مخاصمه برای وقوع این جنایت نیست بلکه در حالت غیر جنگی نیز می‌تواند واقع گردد، دلیلی بر شمول عنوان جنایت جنگی بر آن وجود ندارد. همچنین، این رفتار مجرمانه، جنایت علیه بشریت نیز محسوب نمی‌شود چرا که لزوماً مبتنی بر حمله سازمان‌یافته یا گسترده نسبت به یک جمعیت غیر نظامی نیست. دلیل عدم شمول عنوان تجاوز سرزمینی بر این رفتار نیز واضح است. با این حال، ویژگی‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده نسل‌کشی، آنگونه که در مقررات اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی (دادگاه رم) متجلی شده، در تولیدمثل زدایی موجود و قابل احراز است.

این شکل خاص از نسل‌کشی، از یک سو، رفتاری است ناقض حق‌های بنیادین فردی از جمله حق حیات، حق سلامت و حق برخورداری از زندگی خانوادگی دل‌خواه و اختیاری و از دیگر سو، رفتاری است که حق جمعی ناظر بر پیدایش و تقویت هویت گروهی را نقض می‌کند. مصادیق ارتکاب آن نیز در طول تاریخ، متعدد بوده و با اینکه گاه پوشش‌های قانونی ممکن است از سوی دولت‌ها برای وقوع آن به اجرا درآید اما در ورا و فرای ظواهر موجود، قصد نابودسازی گروه جمعیتی از راه ممانعت از تولیدمثل، هویدا و اثبات‌شدنی است. همچنین، ویژگی‌های این شکل از نسل‌کشی، چه بسا از آن، به تعبیر جرم‌شناسانه، یک جرم آپارتمانی (پنهان) و نه لزوماً یک جرم خیابانی (آشکار) بسازد اما این امر، دلیل بر کم‌اهمیت یا بی‌اثر بودن این شکل از نسل‌کشی نیست بلکه برعکس، نشان از اهمیت آن و لزوم بالا بردن حساسیت‌ها نسبت به آن در گفتمان‌ها و تحلیل‌های حقوقی دارد.

در خاتمه و در پرتو مطالب و مباحثی که پیرامون تولیدمثل زدایی در این مقاله ارائه شد، برخی پیشنهادها قابل ارائه هستند؛

۱. تدوین پروتکل‌های اجرایی شفاف: با توجه به پنهان‌کاری و پیچیدگی‌های عنصر روانی تولیدمثل زدایی، تدوین پروتکل‌های اجرایی شفاف برای شناسایی و مستندسازی شواهد این جنایت، به ویژه در چارچوب نهادهای فراملی و جهانی مانند دیوان کیفری بین‌المللی، ضروری است.
۲. تقویت همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای: برای مقابله مؤثر با این نوع نسل‌کشی، همکاری‌های اطلاعاتی - امنیتی، حقوقی و قضایی بین کشورها و سازمان‌های بین‌المللی باید تقویت شود.^۱

^۱ به نظر می‌رسد یک نیاز عمده نظام بین‌المللی، توجه ویژه، هدفمند، دغدغه‌مندانه و کارکردگرایانه به اصل مراقبت مقتضی است. بر مبنای این اصل، در عرصه حقوق بین‌الملل کیفری، دولت‌ها باید حداکثر تلاش خود را به منظور همکاری مناسب با یکدیگر و نیز با دیوان کیفری بین‌المللی به ویژه در زمینه پیش‌گیری از وقوع جنایات فراملی، محاکمه و مجازات مرتکبان این جنایات، اعمال همه‌جانبه معاضدت‌های قضایی در راستای حمایت از بزهدیدگان انسانی جنایات ارتكابی و ترمیم خسارات وارده از جنایات صورت‌گرفته و نیز وضع و اجرای سیستم‌های تحریمی در عرصه‌های مختلف نسبت به آمران و عاملان این جنایات، به عمل آورند. به نظر می‌رسد بر این مبنای، بحث از ضرورت همکاری همه‌جانبه، مسئولانه و دغدغه‌مندانه دولت‌ها با دیوان کیفری بین‌المللی

۳. آموزش و آگاهی‌بخشی حقوقی: افزایش آگاهی حقوقدانان، قضات، فعالان حقوق بشر و عموم مردم نسبت به ابعاد حقوقی و پیامدهای تولیدمثل‌زدایی به مثابه نسل‌کشی، می‌تواند به شناسایی زودهنگام و جلوگیری از وقوع چنین جنایتی کمک کند.

۴. تحقیقات بیشتر در زمینه مصادیق تاریخی و معاصر: بررسی عمیق‌تر نمونه‌های تاریخی و معاصر که ممکن است مصادیق تولیدمثل‌زدایی باشند، می‌تواند به درک بهتر این پدیده و تدوین راهکارهای عملی برای مقابله با آن منجر شود.

۵. توجه ویژه به بزه‌دیدگی زنان در فرایند وقوع تولیدمثل‌زدایی: بی‌آنکه بتوان منکر بزه‌دیدگی مردان در وقوع این شکل از نسل‌کشی بود، با توجه به تمرکز بیشتر این حالت خاص از نسل‌کشی بر زنان، تحقیقات و اقدامات حقوقی باید توجه ویژه‌ای به بزه‌دیدگی زنان در نتیجه وقوع این جنایت و نیز جبران و ترمیم آسیب‌های وارد شده به آن‌ها در اثر وقوع آن لحاظ گردد.

منابع

فارسی

آرش‌پور، علیرضا و مجید زحمتکش (۱۳۹۶)، ظرفیت‌های نظم کنونی حقوق بین‌الملل در شناسایی مفهوم ژنوسید فرهنگی، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۴، شماره ۵۷، doi: <https://doi.org/10.22066/cilamag.2017.27970>

انصاری، باقر (۱۳۹۲)، مفهوم و ماهیت حقوق جمعی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۶، شماره ۶۲.

پوربافرانی، حسن (۱۴۰۴)، حقوق جزای بین‌الملل، انتشارات جنگل، چاپ شانزدهم.

داوودی گرمارودی، هما، حمیدرضا حیدرپور و ژیلا مهرآرا (۱۴۰۳)، کارکرد اصل مراقبت مقتضی در راستای مقابله با بی‌کیفرمانی سران رژیم اسرائیل در حقوق بین‌الملل کیفری، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۱، شماره ۱، <https://doi.org/10.22034/jclc.2024.718661>

رضوی فرد، بهزاد (۱۴۰۴)، جرم‌شناسی جرایم و جنایات بین‌المللی؛ چالش‌های مطالعه جنایات بین‌المللی، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۳، doi: <https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2050931.1152>

شریعت باقری، محمدجواد (۱۴۰۲)، حقوق کیفری بین‌المللی، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.

لارنس، دیویدسن (۱۳۹۹)، نسل‌کشی فرهنگی، ترجمه کیانوش کیاکجوری، انتشارات آزاداندیشان، چاپ اول.

مومنی، مهدی (۱۳۹۸)، حقوق بین‌المللی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ اول.

در راستای مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبان جنایات بین‌المللی، قابل توجه خواهد بود. برای مطالعه بیشتر در مورد اصل مراقبت مقتضی و جایگاه و کارکرد آن در عرصه حقوق کیفری بین‌المللی و در مواجهه با جنایات بین‌المللی، بنگرید به: داوودی گرمارودی و همکاران (۱۴۰۳)، ۱۳۷-۱۶۶.

میرمحمدصادقی، حسین(۱۳۹۵)، دادگاه کیفری بین‌المللی، انتشارات دادگستر، چاپ نهم.

نجفی ایرنآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی(۱۴۰۰)، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ سی و ششم.

انگلیسی

Abdo, N. (2024) Israel's settler colonialism and the genocide in Gaza, *Studies in Political Economy*, 105(1). doi: 10.1080/07078552.2024.2325298.

Abu Hamad B, Vintges J, Diab R, et al. (2024). Shattered lives and dreams: the toll of the war on Gaza on young people. Report. London: Gender and Adolescence: Global Evidence.

Amira, S. (2021). The slow violence of Israeli settler-colonialism and the political ecology of ethnic cleansing in the West Bank, *Settler Colonial Studies*, 11(4). doi: 10.1080/2201473x.2021.2007747.

Aronoff, Kate(2022). Can Forced Sterilization Be Genocide? Reframing Reproductive Harm and the Law. *Georgetown Law Journal*, Vol. 110, No. 3.

Baconi, T. (2020) Gaza and the one-state reality, *Journal of Palestine Studies*, 50(1). doi: 10.1080/0377919x.2020.1842002.

Ben Saad. Helmi(2024). Urgent humanitarian appeal: Protecting the lives of women and children in the Gaza *Journal of Public Health Research*. Vol. 13(1).

Bouachba A, Gorincour G, Charlier P, et al.(2024). Pregnancy in times of war: what are the fallouts? A review. *Fetal Diagn Ther*.

Burleigh, Michael(1994). *Death and Deliverance: "Euthanasia" in Germany 1900–1945*. Cambridge University Press.

Čolić, Vesna(2003). Sexual Violence as a Weapon of War – Legal and Psychological Dimensions from Bosnia-Herzegovina. *European Journal of International Law*, Vol. 14, No. 4.

Daher-Nashif, S. (2022) Intersectionality and femicide: Palestinian women's experiences with the murders of their beloved female relatives, *Violence against Women*, 28(5). doi: 10.1177/10778012211014561.

Davidson, Lawrence. (2012) *Cultural Genocide* (New Brunswick, NJ: Rutgers University Press).

Freeman. Cordelia & Hala Shoman(2025). No justice in a genocide: sexual and reproductive health and rights in Gaza. *Sexual and Reproductive Health Matters* • Volume 33, 2025 - Issue 1. doi: <https://doi.org/10.1080/26410397.2025.2523095>.

Goodman, David S. G.(2022). Forced Sterilization and the Question of Genocide: A Comparative Analysis of China and Nazi Germany. *Journal of Contemporary China*, Vol. 31, Issue 134.

Guardado, Maria Elena, & L. B. R. Jarratt(2022). Forced Sterilization of Indigenous Women in the United States: Reclaiming the Narrative of Reproductive Justice. *Feminist Legal Studies*, Vol. 30.

Hagan, John, & Kipsang, Geoffrey(2008). *The Contextual Crimes: Rape, Gender, and Genocide in Rwanda*. In: *Rethinking Genocide in the Twenty-First Century*, edited by K. G. Kristiansen & T. V. Sørensen, Ashgate Publishing.

HON, Kristina. (2013) *Bringing Cultural Genocide in by the Backdoor: Victim Participation at the ICC*. *Seton Hall Law Review*, 43(1).

Ihmoud, S. (2022) *Palestinian feminism: analytics, praxes and decolonial futures*, *Feminist Anthropology*, 3(2). doi: 10.1002/fea2.12109.

Irfan, Bilal et al.(2024). *Will there be a future for newborns in Gaza?*. *Correspondence*. Volume 404, Issue 10464.

Kofman, Daniel(2016). *Rights of Identity*. *Journal of Human Rights*. Vol.11, No.2, Issue 22.

Kuttab, E. (2024) *Reframing war: women, sanctions, and impoverishment in Gaza*, *Third Space*, 20(2). doi: 10.1215/15525864-11176469.

Lawrence, Jane(2000). *The Indian Health Service and the Sterilization of Native American Women*. *American Indian Quarterly*, Vol. 24, No. 3. University of Nebraska Press.

Matthews, Heidi(2025). *'Preventing Bir enting Births' as a Gender-Neutr ths' as a Gender-Neutral Harm: Making Sense of al Harm: Making Sense of Reproductive Violence in South Africa's Genocide Case Against Israel*. *PKI Global Justice Journal*. 9 *PKI Global Justice Journal* 5. Osgoode Hall Law School of York University.

Mladenović, Ljiljana(2007). *Genocidal Rape as a Strategy of War in Bosnia and Herzegovina: Destroying the Body, the Spirit, and the Future of a People*. In: *Women and War in the Balkans: Gender, Identity, and the Balkan Conflicts*, edited by R. Žarkov, University of Pennsylvania Press.

Nijim, M. (2022) *Genocide in Palestine: Gaza as a case study*, *The International Journal of Human Rights*, 27(1). doi: 10.1080/13642987.2022.2065261.

Repo, Jemima(2024). *Genocide and the destruction of the means of social reproduction in Gaza*. *European Journal of Politics and Gender*. Volume 8: Issue 2. doi: <https://doi.org/10.1332/25151088Y2024D000000061>.

Rosenthal F. S.(2021). *A comparison of health indicators and social determinants of health between Israel and the occupied Palestinian territories*. *Glob Public Health*. 16(3). doi:10.1080/17441692.2020.1808037.

Saad HB, Ghorbel IB, Saad SB, et al.(2023). *Gaza genocide: breaking the silence*. *Tunis Med.*. 101(11).

Semerdjian, E. (2024) *Gazafication and genocide by attrition in Artsakh/Nagorno Karabakh and the Occupied Palestinian Territories*, *Journal of Genocide Research*. doi: 10.1080/14623528.2024.2377871.

Shoman, Hala(2025). *Israel's War on Reproduction in Gaza: On Reprocide as a tactic of eliminationist violence*. *Middle East Research and Information Project*.

Some of authors(2024). *The Palestinian Feminist Collective Condemns Reproductive Genocide in Gaza*. Report to part of the *Reproductive Violence Conference at the University of Edinburgh*.

Stiglmyer, Alexandra (ed.)(1994). *Mass Rape: The War Against Women in Bosnia-Herzegovina*. University of Nebraska Press.

Sultany, N. (2024) A threshold crossed: on genocidal intent and the duty to prevent genocide in Palestine, *Journal of Genocide Research*. doi: 10.1080/14623528.2024.2351261.

Thibeault, Maéva(2024). On Reproductive Genocide in Gaza. Report to part of the Reproductive Violence Conference at the University of Edinburgh.

Wahono, Angelica(2024). *Reproductive Violence in Gaza: A Gendered Atrocity Under International Law*. Sage.

Zenz, Adrian(2020). Sterilizations, IUDs, and Forced Births: The CCP's Campaign to Suppress Uyghur Birthrates in Xinjiang. *The Jamestown Foundation, China Brief*, Vol. 20, No. 12 (July 2).

References

Abdo, N. (2024) Israel's settler colonialism and the genocide in Gaza, *Studies in Political Economy*, 105(1). doi: 10.1080/07078552.2024.2325298.(In English)

Abu Hamad B, Vintges J, Diab R, et al. (2024). Shattered lives and dreams: the toll of the war on Gaza on young people. Report. London: Gender and Adolescence: Global Evidence.(In English)

Amira, S. (2021). The slow violence of Israeli settler-colonialism and the political ecology of ethnic cleansing in the West Bank, *Settler Colonial Studies*, 11(4). doi: 10.1080/2201473x.2021.2007747(In English)

Ansari, Bagher (2013), The Concept and Nature of Collective Rights, *Journal of Legal Research*. Vol. 16, No. 62. (In Persian)

Arashpour, Alireza & Zahmatkesh, Majid (2017), The Capacity of the Contemporary International Law in Recognition of the Concept of Cultural Genocide. *Journal of Legal Research*, Vol. 34, No. 57. (In Persian). doi: <https://doi.org/10.22066/cilamag.2017.27970>

Aronoff, Kate(2022). Can Forced Sterilization Be Genocide? Reframing Reproductive Harm and the Law. *Georgetown Law Journal*, Vol. 110, No. 3(In English)

Baconi, T. (2020) Gaza and the one-state reality, *Journal of Palestine Studies*, 50(1). doi: 10.1080/0377919x.2020.1842002(In English)

Ben Saad, Helmi(2024). Urgent humanitarian appeal: Protecting the lives of women and children in the Gaza *Journal of Public Health Research*. Vol. 13(1).(In English)

Bouachba A, Gorincour G, Charlier P, et al.(2024). Pregnancy in times of war: what are the fallouts? A review. *Fetal Diagn Ther*.(In English)

Burleigh, Michael(1994). *Death and Deliverance: "Euthanasia" in Germany 1900–1945*. Cambridge University Press.(In English)

Č

olić, Vesna(2003). Sexual Violence as a Weapon of War – Legal and Psychological Dimensions from Bosnia-Herzegovina. *European Journal of International Law*, Vol. 14, No. 4(In English)

Daher-Nashif, S. (2022) Intersectionality and femicide: Palestinian women's experiences with the murders of their beloved female relatives, *Violence against Women*, 28(5). doi: 10.1177/10778012211014561(In English)

Davidson, Lawrence (2020), Cultural Genocide, Translated by Kianoush Kiakojouri, Azadandishan Publications, 1st Ed. (In Persian)

Davidson, Lawrence. (2012) Cultural Genocide (New Brunswick, NJ: Rutgers University Press). (In English)

Davoodi Garmaroodi, Homa, Heydarpour, Hamidreza & Mehrara, Zhila (2024), The Function of the Principle of Due Diligence in Combating the Impunity of Israeli Regime Leaders in International Criminal Law, Biannual Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology, Vol. 1, No. 1. (In Persian). <https://doi.org/10.22034/jclc.2024.718661>

Freeman, Cordelia & Hala Shoman(2025). No justice in a genocide: sexual and reproductive health and rights in Gaza. Sexual and Reproductive Health Matters · Volume 33, 2025 - Issue 1. doi: <https://doi.org/10.1080/26410397.2025.2523095>. (In English)

Goodman, David S. G.(2022). Forced Sterilization and the Question of Genocide: A Comparative Analysis of China and Nazi Germany. Journal of Contemporary China, Vol. 31, Issue 134. (In English)

Guardado, Maria Elena, & L. B. R. Jarratt(2022). Forced Sterilization of Indigenous Women in the United States: Reclaiming the Narrative of Reproductive Justice. Feminist Legal Studies, Vol. 30(In English)

Hagan, John, & Kipsang, Geoffrey(2008). The Contextual Crimes: Rape, Gender, and Genocide in Rwanda. In: Rethinking Genocide in the Twenty-First Century, edited by K. G. Kristiansen & T. V. Sørensen, Ashgate Publishing(In English)

HON, Kristina. (2013) Bringing Cultural Genocide in by the Backdoor: Victim Participation at the ICC. Seton Hall Law Review, 43(1). (In English)

Ihmoud, S. (2022) Palestinian feminism: analytics, praxes and decolonial futures, Feminist Anthropology, 3(2), doi: 10.1002/fea2.12109(In English)

Irfan, Bilal et al.(2024). Will there be a future for newborns in Gaza?. Correspondence. Volume 404, Issue 10464. (In English)

Kofman, Daniel(2016). Rights of Identity. Journal of Human Rights. Vol.11, No.2, Issue 22.(In English)

Kuttab, E. (2024) Reframing war: women, sanctions, and impoverishment in Gaza, Third Space, 20(2), doi: 10.1215/15525864-11176469(In English)

Lawrence, Jane(2000). The Indian Health Service and the Sterilization of Native American Women. American Indian Quarterly, Vol. 24, No. 3. University of Nebraska Press.(In English)

Mathews, Heidi(2025). 'Preventing Bir enting Births' as a Gender-Neutr ths' as a Gender-Neutral Harm: Making Sense of al Harm: Making Sense of Reproductive Violence in South Africa's Genocide Case Against Israel. PKI Global Justice Journal. 9 PKI Global Justice Journal 5. Osgoode Hall Law School of York University. (In English)

Mirmohammad Sadeghi, Hossein (2016), The International Criminal Court, Dadgostar Publications, 9th Ed. (In Persian)

Mladenović, Ljiljana(2007). Genocidal Rape as a Strategy of War in Bosnia and Herzegovina: Destroying the Body, the Spirit, and the Future of a People. In: Women and War in the Balkans: Gender, Identity, and the Balkan Conflicts, edited by R. Žarkov, University of Pennsylvania Press(In English)

- Momeni, Mahdi (2019), *International Criminal Law*, Shahr-e-Danesh Publications, 1st Ed. (In Persian)
- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein & Hashembeigi, Hamid (2021), *Encyclopedia of Criminology*, Shahid Beheshti University Press, 36th Ed. (In Persian)
- Nijim, M. (2022) Genocide in Palestine: Gaza as a case study, *The International Journal of Human Rights*, 27(1), doi: 10.1080/13642987.2022.2065261 (In English)
- Pourbaferani, Hassan (2025), *International Penal Law*, Jangal Publications, 16th Ed. (In Persian)
- Razavi Fard, Behzad (2025), *Criminology of International Crimes: Challenges in the Study of International Crimes*, Biannual Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology, Vol. 2, No. 3. (In Persian). <https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2050931.1152>
- Repo, Jemima(2024). Genocide and the destruction of the means of social reproduction in Gaza. *European Journal of Politics and Gender*. Volume 8: Issue 2. doi: <https://doi.org/10.1332/25151088Y2024D000000061>. (In English)
- Rosenthal F. S.(2021). A comparison of health indicators and social determinants of health between Israel and the occupied Palestinian territories. *Glob Public Health*. 16(3). doi:10.1080/17441692.2020.1808037(In English)
- Saad HB, Ghorbel IB, Saad SB, et al.(2023). Gaza genocide: breaking the silence. *Tunis Med.* 101(11)(In English)
- Semerdjian, E. (2024) Gazafication and genocide by attrition in Artsakh/Nagorno Karabakh and the Occupied Palestinian Territories, *Journal of Genocide Research*. doi: 10.1080/14623528.2024.2377871 (In English)
- Shariat Bagheri, Mohammad Javad (2023), *International Criminal Law*, Ganj-e-Danesh Publications, 1st Ed. (In Persian)
- Shoman, Hala(2025). Israel's War on Reproduction in Gaza: On Reproicide as a tactic of eliminationist violence. *Middle East Research and Information Project*. (In English)
- Some of authors(2024). *The Palestinian Feminist Collective Condemns Reproductive Genocide in Gaza*. Report to part of the Reproductive Violence Conference at the University of Edinburgh.(In English)
- Stiglmayer, Alexandra (ed.)(1994), *Mass Rape: The War Against Women in Bosnia-Herzegovina*. University of Nebraska Press(In English)
- Sultany, N. (2024) A threshold crossed: on genocidal intent and the duty to prevent genocide in Palestine, *Journal of Genocide Research*. doi: 10.1080/14623528.2024.2351261 (In English)
- Thibeault. Maéva(2024). *On Reproductive Genocide in Gaza*. Report to part of the Reproductive Violence Conference at the University of Edinburgh. (In English)
- Wahono. Angelica(2024). *Reproductive Violence in Gaza: A Gendered Atrocity Under International Law*. Sage. (In English)
- Zenz, Adrian(2020). *Sterilizations, IUDs, and Forced Births: The CCP's Campaign to Suppress Uyghur Birthrates in Xinjiang*. The Jamestown Foundation, *China Brief*, Vol. 20, No. 12 (July 2).(In English)